



کلاس و وبینار منابع درباره ما پروژه رواداری توانا تک

## نجات آخرین کنیسه شهر



در یکی از روزهای آفتابی ژانویه در سال ۱۹۸۹، سوز زمستانی وزیدن گرفته بود و هزاران مرد و زن مسلمان به همراه کودکان در خیابان‌های بردفورد انگلستان راهپیمایی می‌کردند. پلاکاردهایی که روی‌شان نوشته شده بود «رشدی حرفات را پس بگیر»، «رشدی مفتضح است»، «آیه‌های شیطانی ممنوع گردد»، بالای سر مردمی که جلوی ساختمان‌های اداری اصلی شهر تجمع کرده بودند به اهتزاز درآمده بود. دوست‌داران سلمان رشدی، رمان‌نویسی که مخاطب آن عبارات بود، نگاه مبهوت‌شان روی صفحه تلویزیون خشک شده؛ و با چشم خویش تصاویر معترضینی را می‌دیدند که روی رمان بحث‌برانگیز رشدی، آیه‌های شیطانی، بنزین می‌ریزند. در یک آن، جرقه آتش روی صفحه‌های بنزین‌خورده رمان افتاد و چهره‌های توی تلویزیون را روشن کرد. با شعله‌ور شدن رمان، جمعیت هلهله شادمانی سر داد.



## جایی که کتاب‌ها سوخته می‌شوند

در یکی از روزهای آفتابی ژانویه در سال ۱۹۸۹، سوز زمستانی وزیدن گرفته بود و هزاران مرد و زن مسلمان به همراه کودکان در خیابان‌های بردفورد انگلستان راهپیمایی می‌کردند. پلاکاردهایی که روی‌شان نوشته شده بود «رشدی حرفات را پس بگیر»، «رشدی مفتضح است»، «آیه‌های شیطانی ممنوع گردد» [۱]، بالای سر مردمی که جلوی ساختمان‌های اداری اصلی شهر تجمع کرده بودند به اهتزاز درآمده بود. دوست‌داران سلمان رشدی، رمان‌نویسی که مخاطب آن عبارات بود، نگاه مبهوت‌شان روی صفحه تلویزیون خشک شده؛ و با چشم خویش تصاویر معترضینی را می‌دیدند که روی رمان بحث‌برانگیز رشدی، آیه‌های شیطانی، بنزین می‌ریزند. در یک آن، جرقه آتش روی صفحه‌های بنزین‌خورده رمان افتاد و چهره‌های توی تلویزیون را روشن کرد. با شعله‌ور شدن رمان، جمعیت هلهله شادمانی سر داد.

هاینریش هاینه، شاعر یهودی-آلمانی، تقریباً دو سده پیش‌تر جمله‌گرایی گفته بود: «جایی که کتاب‌ها را می‌سوزانند، نهایتاً انسان‌ها را نیز خواهند سوزاند.» کتاب‌سوزی در بردفورد، اثبات درستی این جمله تقریباً پیش‌گویانه هاینه بود. البته هیچ انسانی در میدان این شهر سوزانده نشد. اما درست در روز ولنتاین ۱۹۸۹، آیت‌الله خمینی فتوایی صادر کرد که مسلمانان را ترغیب می‌کرد تا نویسنده به اصطلاح کفرگوی آیه‌های شیطانی را به قتل برسانند. [۲] با این همه، افراطیون دست‌شان به نویسنده رمان نرسید (چون رشدی پس از صدور فتوای خمینی، مخفی شده بود) [۳] و برای همین سراغ قربانی‌های آسان‌تری رفتند. در ۳ جولای ۱۹۹۱، به اتور کاپریولو، مترجم ایتالیایی ۶۱ساله آیه‌های شیطانی، درون آپارتمان‌اش در میلان ایتالیا حمله کردند. [۴] کاپریولو به‌رغم مقاصد بی‌رحمانه افراطیون، از جراحات چاقوی آن‌ها نجات یافت. [۵] متأسفانه تنها چند روز بعد، در ۱۲ جولای، به همتای ژاپنی وی، هیتوشی ایگاراشی، نیز حمله شد؛ افراطیون ایگاراشی را بیرون دفترش در شمال شرقی توکیو ژاپن با ضربات چاقو به قتل رساندند. [۶]

## ریشه‌های اختلاف

در سال‌های اولیه سده بیستم، خیلی قبل‌تر از این‌که آن جمعیت در بردفورد جمع شوند و رمان رشدی را به آتش بکشند، این شهر به عنوان قطب صنعت نساجی به سرعت توسعه یافت. با این همه، در زمان کتاب‌سوزی، از گذشته موفق این شهر

پوسته‌ای بیش باقی نمانده بود. پس از جنگ جهانی اول، رقبای خارجی بازار جهانی را از محصولات ارزان پر کردند، که رکود صنعتی برگشت‌ناپذیری را بر شهرهایی مانند بردفورد تحمیل کرد و توان رقابت را از این شهرها گرفت. [۷] بردفورد، به غیر از دوره جنگ جهانی دوم، هیچ‌گاه از این رکود خلاصی نیافت. [۸]

در همین شرایط بسیار بد اقتصادی بود که نخستین موج مهاجران آسیای جنوبی، که عمدتاً مسلمان بودند، در دهه ۱۹۵۰ و ۶۰ به بردفورد آمدند. این شهر در ابتدا از ورود آن‌ها استقبال کرد؛ این مهاجران عمدتاً مردان جوان جویای کار بودند، و کارخانه‌های بردفورد به کارگرانی نیاز داشت که مایل باشند در شیفت‌های شبانه و تعطیلات آخر هفته مشغول به کار شوند. [۹] هرچند، با گذشت زمان، خانواده این مهاجران نیز به انگلستان آمدند تا به عزیزان‌شان ملحق شوند. و تا سال ۲۰۰۱، مهاجران مسلمان آسیای جنوبی، بزرگ‌ترین گروه اقلیتی بردفورد را شکل دادند؛ آن‌ها با جمعیتی ۷۵ هزار نفری، یک چهارم جمعیت شهر را تشکیل می‌دهند. [۱۰] از آن‌جا که باهمستان (community) مسلمان آسیای جنوبی، بر خلاف دیگر گروه‌های مهاجر تازه‌وارد، از ادغام شدن در جامعه انگلستان به شدت امتناع می‌کرد، رنجش‌هایی ایجاد شد. در نتیجه این امتناع، تفکیک خودخواسته بین مسلمانان و غیرمسلمانان عملاً به وضع موجود بردفورد بدل گشت. [۱۱]

## احتیاط در بحبوحه خودروسوزی و پلیس مخفی

در سال ۲۰۰۱، نزدیک به یک دهه پس از کتاب‌سوزی، تنش بین باهمستان مسلمان و غیرمسلمان بردفورد بار دیگر بالا گرفت؛ این بار اما شورش‌های خشونت‌آمیز جای اعتراضات را گرفت، و خرابی‌های گسترده‌ای برجای گذاشت. وقتی شورش‌ها خوابید و همه‌چیز آرام گرفت، خسارتی به ارزش ۲۵ میلیون پوند بر شهر وارد شده و صدها پلیس مجروح شده بودند. [۱۲] در بحبوحه شلوغی‌ها و خودروسوزی‌ها و خیابان‌های دودگرفته بود که رودی لیور (Rudi Leavor مخفیانه سردر برنجی کنیسه اصلاح‌طلب شهر بردفورد را باز کرد و برداشت. لیور، رئیس ۸۷ ساله این کنیسه، در مقام توضیح این عمل گفت: «ما نمی‌خواستیم باعث و بانی هر گونه مزاحمت و درگیری باشیم». [۱۳] با این‌که کنیسه اصلاح‌طلب بردفورد حضور نامحسوس و کم‌رنگی در شهر داشت، لیور اما نمی‌خواست خطر کند؛ وی با مخاطرات نفرت‌ورزی و تعصب کور غریبه نبود، و به واسطه تجربه‌های دوران کودکی‌اش، قدر احتیاط را به‌خوبی می‌دانست.



لیور با مرور  
خاطرات گذشته، به  
یاد می‌آورد هر بار  
که صدای خشن  
سربازهای ملبس به  
صلیب‌شکسته را  
می‌شنید که از کنار  
خانه‌شان در آلمان  
رژه می‌رفتند، دچار

وحشتی عظیم می‌شد. [۱۴] در یکی از صبح‌های سرد و خوفناکی که در حافظه لیور حک شده، آن وحشت به اوج خود رسید؛ آن روز، خانواده لیور به جای این که مثل همیشه با صدای زنگ ساعت از خواب بیدار شوند، با ضربه‌های کوبنده و متوالی مشت گشتاپو بر در خانه‌شان، وحشت‌زده از خواب پریدند. گشتاپو یا همان پلیس مخفی نازی، به خانه لیور رفته بود تا خزانه انجمن محلی زنان و همه پس‌انداز این انجمن را از خانم لیور بگیرد. [۱۵] خانواده لیور در نوامبر ۱۹۳۷ وقتی که وی فقط ۱۰ سال داشت، حس کردند که این اتفاق پایان ماجرا نیست و برای همین از آلمان نازی گریختند و با کشتی به انگلستان رفتند. لیور به یاد می‌آورد که با چشم‌های بهت‌زده ناظر لحظه‌ای بود که پدرش کلید خانه‌شان را در امواج دریا انداخت و گفت: «آلمان برای ما تمام شد». [۱۶]

## یک دوست نامتحمل برای کنیسه‌ای که نیاز به تعمیر دارد

در سال ۲۰۱۳، نگرانی دیگری ذهن لیور را به خود مشغول کرد. وضعیت مالی آخرین کنیسه باقی‌مانده بردفورد، رو به وخامت گذاشته بود. جمعیت یهودی این شهر، که قدمتی صدساله داشت، به سرعت ناپدید می‌شد؛ از خیل خانواده‌هایی که زمانی به کنیسه اصلاح‌طلب می‌آمدند، فقط ۴۵ نفر باقی مانده بود. [۱۷] و از همه بدتر، سقف چکه می‌کرد و طومارهای مقدس تورات در معرض خطر نابودی قرار داشتند. اهالی کنیسه گزینه‌های محدودی داشتند؛ مردد بودند که ساختمان ۱۳۲ساله کنیسه را بفروشند یا نه، درست همان‌طور که همسایه‌های یهودی ارتدوکس‌شان دو سال پیش‌تر مجبور به چنین کاری شده بودند. [۱۸] در همین هنگام بود که دوست ظاهراً نامحتملی وارد ماجرا شد. نام‌اش ذوالفقار علی بود. [۱۹]

علی مدیر یکی از معروف‌ترین رستوران‌های بردفورد به نام «سوییت سنتر» بود. در همان حین که اهالی کنیسه به‌طور جدی داشتند به فروختن کنیسه عزیزشان فکر می‌کردند، علی متوجه شد که قرار است یک رستوران رقیب در آن حوالی باز شود. رستوران علی، به‌طور کاملاً اتفاقی، نه‌تنها بین دوست‌داران محلی غذای پاکستانی، بلکه به‌ویژه در بین بسیاری از اهالی کنیسه اصلاح‌طلب، رستوران محبوبی بود. [۲۰] علی که نگران بود با بازشدن رستوران جدید کسب و کارش لطمه ببیند، برای کمک پیش لیور رفت. علی از معضل لیور اطلاع اندکی داشت.

علی از نگرانی خود و از عواقب فاجعه‌بار تاسیس رستوران جدید بر کسب و کارش برای لیور تعریف کرد، و لیور قبول کرد که به علی کمک کند. بعد هر دو با همکاری یک‌دیگر موفق شدند تا حمایت‌های محلی را بسیج ساخته و جلوی جواز تاسیس رستوران رقیب را گرفتند. علی نیز، در عوض، وقتی از وضعیت کنیسه مطلع شد، همان‌جا قسم خورد که لطف لیور را جبران کند، و بلافاصله از یکی از موسسه‌های مالی محلی تأمین بودجه کرد تا سقف کنیسه تعمیر شود. [۲۱] علی که متوجه شده بود این تعمیرها کافی نیست، با ذوالفقار کریم، متولی مسجد محل، تماس گرفت. [۲۲]

## نجات دادن یک کنیسه، کاستن از اختلاف‌ها

با این که کریم چند کوچه آن‌ورتر از کنیسه بزرگ شده بود، اما وقتی از وجود آن مطلع شد تعجب کرد. [۲۳] وی برای اولین بار بود که می‌شنید نه تنها کنیسه‌ای در بردفورد وجود دارد، بلکه موقعیت آن نیز در خطر است؛ کریم پیشنهاد کمک داد. [۲۴] کریم گفت: «از شنیدن خبر شوکه شدم و بلافاصله با افراد باهمستان صحبت کردم». [۲۵] میزان وخامت وضعیت کنیسه، بر همه آشکار بود. کریم با اظهار تاسف گفت: «۱۰۰ سال است که باهمستان یهودی در بردفورد زندگی می‌کنند ولی حالا تقریباً هیچ نشانی از آن‌ها نیست.» [۲۶]



لیور و کریم به سرعت دست به کار شدند تا کنیسه را نجات دهند. آن‌ها با همکاری یک‌دیگر توانستند حمایت شایان اعضای محل را جلب کنند و بلافاصله شروع به تعمیرکردن ساختمان کنند؛ و برای دریافت کمک‌هزینه‌ای بالغ بر ۱۰۰ هزار پوند، تقاضانامه‌ای نیز نوشتند. خالد پرویز، تاجر محلی، هزار پوند روی هزار پوندی گذاشت که پوند به پوند از سوی افراد مختلف اهدا شده بود. [۲۷] کریم در پاسخ به این که چرا اینقدر برای کمک به باهمستان یهودی شهر تلاش کرده، تاکید کرد: «ما اشتراکات زیادی داریم. ... این سنت هر دوی ماست که در کسب و کار به یک‌دیگر کمک کنیم، و ارزش‌های مشترکی در زمینه کارآفرینی و خانواده و باهمستان داریم.» [۲۸]

جورج گلووی (George Galloway)، نماینده‌ی حزب «ریسپکت» در مجلس، که از این همکاری نمونه بین باهمستان یهودی و مسلمان بردفورد خرسند شده بود، در اوایل مارچ ۲۰۱۳ لایحه‌ای را تقدیم مجلس کرد تا بابت «حرکت فوق‌العاده و وحدت‌بخش» باهمستان مسلمان این شهر، از ایشان تقدیر شود. [۲۹] از دید لیور و کریم، نجات‌دادن کنیسه تنها آغازی بر تعامل همدلانه این دو باهمستان و مذهب بود. لیور و کریم که به‌خوبی می‌دانستند اکثر قسمت‌های بردفورد هم‌چنان مشکل محرومیت و تعصب‌ورزی دارد و اقدامات محدود این دو نفر نمی‌توانست جدایی بین باهمستان مسلمان و غیرمسلمان را پایان دهد، تصمیم گرفتند که بکوشند تا روحیه‌ی همکاری‌شان را گسترش دهند.

## چیره‌شدن بر تندروی، نامداراگری، و سوتفاهم

هر چهار بمب‌گذاری که در ۷ جولای ۲۰۰۷ در مرکز لندن اقدام به حملات انتحاری ویران‌گر کرده بودند، حوالی بردفورد زندگی می‌کردند. [۳۰] نرخ فزاینده‌ی بی‌کاری جوانان و دورنمای تیره آموزشی، جوانان این شهر را در برابر پروپاگاندا‌ی افراطیون آسیب‌پذیر ساخته بود. کریم اظهار داشت: «به آن‌هایی که مثلاً به نام اسلام لی ریگی (Lee Rigby) را کشتند نگاه کنید. سوال این است که چه چیزی باعث شده تا مردان جوان چنین تندرو و خشمگین و متعصب شوند؟» کریم با ابزار امیدواری برای یافتن پاسخ این سوال، بیان داشت: «من واقعا، واقعا از صمیم قلب، احساس می‌کنم راه پیش روی ما همان گفتگوی بین مذاهب است؛ این گفتگو می‌تواند از طریق غذا یا با دیدار از کنیسه یا دیگر عبادت‌گاه‌ها انجام شود.» [۳۱] گفتگوی بین مذاهب، لازمه هم‌زیستی بین مذاهب است. اشتیاق احمد، سخنگوی شورای مساجد بردفورد گفت: «وقتی در اقلیت هستید، بسته زندگی می‌کنید و از ترس سست‌شدن یا از دست دادن هویت‌تان شتاب‌زده جلو نمی‌روید.» [۳۲] وقتی باهمستانی خود را بسته باشد و از تعامل با باهمستان‌های دیگر امتناع کند، بذر بی‌اعتمادی و سوتفاهم کاشته می‌شود.

نظام آموزشی شهر جهت غلبه کردن بر بی‌اعتمادی و سوتفاهمی که بین باهمستان مسلمان و غیرمسلمان وجود دارد، تاکید بیش‌تری بر مدارا و آگاهی بین فرهنگی اعمال می‌کند. برخی از معلم‌ها شروع کرده‌اند به تسهیل‌سازی مبادلات بین دانش‌آموزان باهمستان‌های مختلف. پس از یکی از این جلسه‌های مبادله که بین دبستان «شرلی منور» و کودکان خانواده‌های مسلمان برگزار شد، از زبان دانش‌آموزان شرلی منور می‌توانستی بشنوی: «اما آن‌ها واقعا پیتزا دوست دارند... و تلویزیون نگاه می‌کنند. حتی یکی از آن‌ها ایکس-باکس دارد!» این واکنش‌ها به هیچ وجه بی‌اهمیت نیستند؛ نشان می‌دهند که وقتی هیچ تعاملی بین باهمستان‌ها نباشد، ایده‌هایی که ما از «دیگری» داریم چه‌طور می‌تواند به نحو گسترده‌ای تحریف شوند یا حتی کاملا نادرست باشند، و این که گفتگو و تعامل و علایق مشترک چه‌طور می‌توانند سوتفاهم‌ها را برطرف کنند.

کریم با بهره‌گرفتن از تجربه گذشته‌اش در سمت سازمان‌دهنده جشنواره بین‌المللی مشهور [غذای] کاری، و با کمک لیور، برنامه مبتکرانه‌ای برای متحد‌ساختن باهمستان‌های مختلف بردفورد ریخت. با این برنامه، افراد آن باهمستان‌ها حول علاقه مشترک همگی‌شان متحد می‌شدند: دوست‌داشتن غذای خوب. در راستای برنامه کریم، خانواده‌های یهودی اعضای باهمستان مسلمان و باهمستان مسیحی را دعوت کردند تا در مهمانی «شام اونگ شبات» (شب‌نشینی غیررسمی جمعه‌ها) حضور یابند؛ سپس باهمستان مسلمان ضیافت ویژه رمضان را ترتیب داد تا جشن را همراه با همسایگان یهودی و مسیحی برگزار کند؛ و مسیحیان نیز غذای سنتی انگلستانی‌ای، از جمله پای چوپان (با گوشت‌های حلال) تهیه کردند تا جشن برداشت را گرمی دارند. [۳۳] کریم و لیور ثابت کردند که غذا «مردم را به یک‌دیگر نزدیک می‌کند.» [۳۴]

## از شهری تفکیک‌شده تا شهر پناه

تنش‌های دیرپای نژادی در بردفورد، یک‌شبه از بین نخواهند رفت؛ این تنش‌ها عمیقا

ریشه‌دار هستند. با این همه، گفتگوی بین مذاهب و کمپین‌های خستگی‌ناپذیر علیه نامدارگری، توسعه یافته و تاکنون بسیاری از موانع قدیمی بر سر راه دوستی بین فرهنگی در این شهر را برداشته است. در ۱ اکتبر ۲۰۰۸، جنبش شهر پناه، با هدف «ایجاد فرهنگ مهمان‌نوازی شهری برای افرادی که نیازمند سرپناه هستند» و برای «برطرف کردن تصورات اشتباه درباره پناهندگان» به بردفورد رسید. [۳۵] دو سال بعد، در ۱۸ نوامبر ۲۰۱۰، جنبش شهر پناه، بردفورد را «شهر پناه» اعلام کرد؛ بردفورد، سومین شهر در بریتانیا است که به چنین مقامی می‌رسد. [۳۶] نماینده این جنبش در توضیح تصمیم‌شان اعلام کرد که بردفورد تبدیل به «جایی شده که طیف گسترده‌ای از سازمان‌های محلی و گروه‌های اجتماعی و باهمستان‌های مذهبی، و هم‌چنین دولت محلی، علنا متعهد شده‌اند تا انسان‌های جوای سرپناه را گرامی داشته و بپذیرند.» [۳۷]

در ۲۸ آگوست ۲۰۱۰، تعهد بردفورد به مداراگری در معرض دید همگان قرار گرفت؛ در این روز، گروه راست افراطی «اتحادیه دفاع انگلستان» (EDL) تظاهراتی فتنه‌برانگیز به راه انداخت و در شهر راهپیمایی کرد. این گروه بر این باور بود که تفکیک نژادی و مذهبی این شهر می‌توانست برای «شعله‌ور ساختن بشکه باروت [روابط] بین باهمستانی» به کار رود. [۳۸] این جمعیت که مرکب از متعصبان راست افراطی و تماشاگر نماهای فوتبال بود، در حین راهپیمایی‌شان در خیابان‌های شهر بطری و آجر پرت می‌کردند؛ ساکنین بردفورد اما خویشتن‌داری و همبستگی کاملی از خود نشان دادند. کلیساهای محلی مراسم عبادت برگزار کردند، مسلمانان با غذا و نوشیدنی از پلیس پذیرایی کردند، زنان در خیابان‌ها روبان‌های صلح آویزان کردند، و جوان‌های آتشی مزاج نیز از راهپیمایی دور نگه داشته شده بودند. [۳۹] آن راهپیمایی نفرت‌پراکن به پایان رسید و موفق نشد تا تنش‌ها در شهر ایجاد کند.

در این محیط جدید، به نظر می‌رسد که کنیسه اصلاح‌طلب آینده روشنی داشته باشد. درست یک سال پس از آن که لیور و علی برای نخستین بار با یکدیگر صحبت کردند، کنیسه نیز قسط اول کمک‌هزینه ۱۰۳ هزار پوندی را دریافت کرد، و شورای شهر نیز متعهد شد تا ۲۵ هزار پوند دیگر به کنیسه کمک کند. [۴۰] لیور با بیان اینکه «شگفتی‌ای بسیار لذت‌بخش» و یک «میضوی حقیقی» بود، گفت: «من قطعاً شاد بودم که چنین سخاوتی را به‌ویژه در این مرحله از زندگی‌ام تجربه کردم. من از ۱۹۵۳ رئیس این کنیسه بوده‌ام و این بزرگ‌ترین اتفاقی است که برای ما روی داده است.» [۴۱] کریم نیز اظهار داشت: «مفتخرم که می‌توانیم از همسایگانمان پشتیبانی کنیم.» [۴۲] وی در همین زمینه با اشتیاق اضافه کرد: «وقتی [لیور] را ملاقات کردم، احساس کردم پدرم یا پدر بزرگ‌ام است. اگر او در باهمستان ما بود، در موقع نیاز کمک‌اش می‌کردم. برای همین احساس کردم، بسیار خوب! این تکلیف من است که او را کمک کنم، انگار که عضوی از خانواده خودم باشد.» [۴۳] آن‌ها که یک زمانی دوستی‌شان نامتحمل بود، حالا دوست یکدیگر هستند. لیور وقت‌هایی که به مسافرت می‌رود، به کریم اعتماد کرده و کلید کنیسه را به وی می‌دهد. [۴۴] هرچند، کریم موقرانه اشاره می‌کند که «به نظر می‌رسد خیلی از مردم از این که باهمستان یهودی و مسلمان دست به دست هم داده و همکاری می‌کنند، کاملاً حیرت‌زده شوند؛

## برای مطالعه بیشتر

مقالات

Bradford Synagogue Saved by City's Muslims.

<http://www.theguardian.com/uk-news/2013/dec/20/bradford-synagogue-saved-muslims-jews>

In One Hard-knock British City, a Secret Muslim Donor Helps save a Synagogue. <http://www.haaretz.com/jewish-world/jewish-world-features/in-one-hard-knock-british-city-a-secret-muslim-donor-helps-save-a-synagogue.premium-1.525183>

Bradford Muslims Rally to Save Synagogue From Closure.

[http://www.huffingtonpost.co.uk/2013/03/19/bradford-synagogue-muslims\\_n\\_2908254.html](http://www.huffingtonpost.co.uk/2013/03/19/bradford-synagogue-muslims_n_2908254.html)

Rudi Leavor- Berlin-Bradford

<http://holocaustlearning.org/survivors/Rudi-Leavor>

---

[i] "UK OBSERVATION : ARCHIVE." *Satanic Verses Bookburning*.

*Bradford, UK*. 14 January 1989. Web. 10 Feb.

2015. <http://garryclarkson.photoshelter.com/image/I0000EcCGk1pcbaY>

[ii] Rule, Sheila, "Khomeini Urges Muslims to Kill Author of Novel." *The New York Times*. 14 Feb. 1989. 29 Jan.

2015. <http://www.nytimes.com/1989/02/15/world/khomeini-urges-muslims-to-kill-author-of-novel.html>

[iii] "From Threats Against Salman Rushdie To Attacks On 'Charlie Hebdo'," *NPR*. Web. 27 Feb.

2015. <http://www.npr.org/blogs/parallels/2015/01/08/375662895/from-threats-against-salman-rushdie-to-attacks-on-charlie-hebdo>

[iv] Weisman, Steven R. "Japanese Translator of Rushdie Book Found Slain." *The New York Times*, 12 July 1991. Web. 11 Feb.

2015. <http://www.nytimes.com/1991/07/13/world/japanese-translator-of-rushdie-book-found-slain.html>

[v] Weisman, Steven R. "Japanese Translator of Rushdie Book Found Slain." *The New York Times*, 12 July 1991. Web. 11 Feb.

2015. <http://www.nytimes.com/1991/07/13/world/japanese-translator->



[of-rushdie-book-found-slain.html](http://www.nytimes.com/1991/07/13/world/japanese-translator-of-rushdie-book-found-slain.html)

[vi] Weisman, Steven R. "Japanese Translator of Rushdie Book Found Slain." *The New York Times*, 12 July 1991. Web. 11 Feb.

2015. <http://www.nytimes.com/1991/07/13/world/japanese-translator-of-rushdie-book-found-slain.html>

[vii] Goodhart, David. "A Tale of Three Cities." *Prospect Magazine*. 20 June 2011. Web. 17 Jan.

2015. <http://www.prospectmagazine.co.uk/features/bradford-burnley-oldham-riots-ten-years-on>

[viii] Goodhart, David. "A Tale of Three Cities." *Prospect Magazine*. 20 June 2011. Web. 17 Jan.

2015. <http://www.prospectmagazine.co.uk/features/bradford-burnley-oldham-riots-ten-years-on>

[ix] Goodhart, David. "A Tale of Three Cities." *Prospect Magazine*. 20 June 2011. Web. 17 Jan.

2015. <http://www.prospectmagazine.co.uk/features/bradford-burnley-oldham-riots-ten-years-on>

[x] "UK Muslim Demographics." *The Telegraph*. 04 Feb. 2011. 30 Jan.

2015. <http://www.telegraph.co.uk/news/wikileaks-files/london-wikileaks/8304838/UK-MUSLIM-DEMOGRAPHICS-C-RE8-02527.html>

[xi] Goodhart, David. "A Tale of Three Cities." *Prospect Magazine*. 20 June 2011. Web. 17 Jan.

2015. <http://www.prospectmagazine.co.uk/features/bradford-burnley-oldham-riots-ten-years-on>

[xii] Bagguley, Paul, and Yasmin Hussein. "The Bradford "Riot" Of 2001: A Preliminary Analysis." *Leeds University*. 23 Apr. 2013. Web. 16 Jan.

2014. <http://www.leeds.ac.uk/sociology/people/pbdocs/Bradfordriot.doc>

[xiii] Pidd, Helen. "Bradford Synagogue Saved by City's Muslims." *The Guardian*. 20 Dec. 2013. Web. 17 Jan.

2015. <http://www.theguardian.com/uk-news/2013/dec/20/bradford-synagogue-saved-muslims-jews>

[xiv] Rudi's Story, Chapter 2." *Holocaust Learning*. Web. 17 Jan.

2015. [http://holocaustlearning.org/uploads/pdf/Rudi\\_chapter\\_2.pdf](http://holocaustlearning.org/uploads/pdf/Rudi_chapter_2.pdf)

[xv] Rudi's Story, Chapter 3." *Holocaust Learning*. Web. 17 Jan.

2015. [http://holocaustlearning.org/uploads/pdf/Rudi\\_chapter\\_3.pdf](http://holocaustlearning.org/uploads/pdf/Rudi_chapter_3.pdf)

- [xvi] Rudi's Story, Chapter 6." *Holocaust Learning*. Web. 17 Jan. 2015. [http://holocaustlearning.org/uploads/pdf/Rudi\\_chapter\\_6.pdf](http://holocaustlearning.org/uploads/pdf/Rudi_chapter_6.pdf)
- [xvii] Pidd, Helen. "Bradford Synagogue Saved by City's Muslims." *The Guardian*. 20 Dec. 2013. Web. 17 Jan. 2015. <http://www.theguardian.com/uk-news/2013/dec/20/bradford-synagogue-saved-muslims-jews>
- [xviii] Ditmars, Hadani. "In One Hard-knock British City, a Secret Muslim Donor Helps save a Synagogue." *Haaretz*. 21 May 2013. Web. 04 Feb. 2015. <http://www.haaretz.com/jewish-world/jewish-world-features/in-one-hard-knock-british-city-a-secret-muslim-donor-helps-save-a-synagogue.premium-1.525183>
- [xix] Pidd, Helen. "Bradford Synagogue Saved by City's Muslims." *The Guardian*. 20 Dec. 2013. Web. 17 Jan. 2015. <http://www.theguardian.com/uk-news/2013/dec/20/bradford-synagogue-saved-muslims-jews>
- [xx] Pidd, Helen. "Bradford Synagogue Saved by City's Muslims." *The Guardian*. 20 Dec. 2013. Web. 17 Jan. 2015. <http://www.theguardian.com/uk-news/2013/dec/20/bradford-synagogue-saved-muslims-jews>
- [xxi] Pidd, Helen. "Bradford Synagogue Saved by City's Muslims." *The Guardian*. 20 Dec. 2013. Web. 17 Jan. 2015. <http://www.theguardian.com/uk-news/2013/dec/20/bradford-synagogue-saved-muslims-jews>
- [xxii] Pidd, Helen. "Bradford Synagogue Saved by City's Muslims." *The Guardian*. 20 Dec. 2013. Web. 17 Jan. 2015. <http://www.theguardian.com/uk-news/2013/dec/20/bradford-synagogue-saved-muslims-jews>
- [xxiii] Pidd, Helen. "Bradford Synagogue Saved by City's Muslims." *The Guardian*. 20 Dec. 2013. Web. 17 Jan. 2015. <http://www.theguardian.com/uk-news/2013/dec/20/bradford-synagogue-saved-muslims-jews>
- [xxiv] Pidd, Helen. "Bradford Synagogue Saved by City's Muslims." *The Guardian*. 20 Dec. 2013. Web. 17 Jan. 2015. <http://www.theguardian.com/uk-news/2013/dec/20/bradford-synagogue-saved-muslims-jews>

[xxv] Ditmars, Hadani. "In One Hard-knock British City, a Secret Muslim Donor Helps save a Synagogue." *Haaretz*. 21 May 2013. Web. 17 Jan. 2015. <http://www.haaretz.com/jewish-world/jewish-world-features/in-one-hard-knock-british-city-a-secret-muslim-donor-helps-save-a-synagogue.premium-1.525183>

[xxvi] Elgot, Jessica. "Bradford Muslims Rally to Save Synagogue From Closure." *The Huffington Post*. 19 Mar. 2013. Web. 17 Jan. 2015. [http://www.huffingtonpost.co.uk/2013/03/19/bradford-synagogue-muslims\\_n\\_2908254.html](http://www.huffingtonpost.co.uk/2013/03/19/bradford-synagogue-muslims_n_2908254.html)

[xxvii] Ditmars, Hadani. "In One Hard-knock British City, a Secret Muslim Donor Helps save a Synagogue." *Haaretz*. 21 May 2013. Web. 17 Jan. 2015. <http://www.haaretz.com/jewish-world/jewish-world-features/in-one-hard-knock-british-city-a-secret-muslim-donor-helps-save-a-synagogue.premium-1.525183>

[xxviii] Ditmars, Hadani. "In One Hard-knock British City, a Secret Muslim Donor Helps save a Synagogue." *Haaretz*. 21 May 2013. Web. 17 Jan. 2015. <http://www.haaretz.com/jewish-world/jewish-world-features/in-one-hard-knock-british-city-a-secret-muslim-donor-helps-save-a-synagogue.premium-1.525183>

[xxix] Galloway, George. "Bradford's Muslim Community and Its Last Remaining Synagogue." *www.parliament.uk*. 6 Mar. 2013. Web. 17 Jan. 2015. <http://www.parliament.uk/edm/2012-13/1149>

[xxx] Shackle, Samira. "The Mosque's Aren't Working in Bradistan." *NewStatesman*. 20 Aug. 2010. Web. 20 Jan. 2015. <http://www.newstatesman.com/society/2010/08/bradford-british-pakistan>

[xxxi] Pidd, Helen. "Bradford Synagogue Saved by City's Muslims." *The Guardian*. 20 Dec. 2013. Web. 17 Jan. 2015. <http://www.theguardian.com/uk-news/2013/dec/20/bradford-synagogue-saved-muslims-jews>

[xxxii] Shackle, Samira. "The Mosque's Aren't Working in Bradistan." *NewStatesman*. 20 Aug. 2010. Web. 20 Jan. 2015. <http://www.newstatesman.com/society/2010/08/bradford-british-pakistan>

[xxxiii] Barnard, Adam. "Children Create Cross-cultural Harmony." *The*

*Guardian*. 12 Jan. 2010. Web. 17 Jan.

2015. <http://www.theguardian.com/education/2010/jan/12/cross-cultural-friendships?guni=Article:in body link>

[xxxiv] Pidd, Helen. "Bradford Synagogue Saved by City's Muslims." *The Guardian*. 20 Dec. 2013. Web. 17 Jan.

2015. <http://www.theguardian.com/uk-news/2013/dec/20/bradford-synagogue-saved-muslims-jews>

[xxxv] Ditmars, Hadani. "In One Hard-knock British City, a Secret Muslim Donor Helps save a Synagogue." *Haaretz*. 21 May 2013. Web. 17 Jan. 2015. <http://www.haaretz.com/jewish-world/jewish-world-features/in-one-hard-knock-british-city-a-secret-muslim-donor-helps-save-a-synagogue.premium-1.525183>

[xxxvi] "Cities of Migration." *Cities of Sanctuary, Communities of Welcome*. 11 July 2009. Web. 11 Feb.

2015. [http://citiesofmigration.ca/good\\_idea/cities-of-sanctuary-communities-of-welcome/](http://citiesofmigration.ca/good_idea/cities-of-sanctuary-communities-of-welcome/)

[xxxvii] "Bradford City of Sanctuary." City of Sanctuary. Web. 11 Feb.

2015. <http://www.cityofsanctuary.org/bradford>

[xxxviii] "Bradford Awarded 'City of Sanctuary' Status!" *City of Sanctuary*, 22 Nov. 2012. Web. 11 Feb.

2015. <http://www.cityofsanctuary.org/news/985/bradford-awarded-status>

[xxxix] Hope Over Hate." *The Economist*. 3 Mar. 2011. Web. 17 Jan.

2015. <http://www.economist.com/node/18289262>

[xli] Hope Over Hate." *The Economist*. 3 Mar. 2011. Web. 17 Jan.

2015. <http://www.economist.com/node/18289262>

[xlii] Pidd, Helen. "Bradford Synagogue Saved by City's Muslims." *The Guardian*. 20 Dec. 2013. Web. 17 Jan.

2015. <http://www.theguardian.com/uk-news/2013/dec/20/bradford-synagogue-saved-muslims-jews>

[xliii] Ditmars, Hadani. "In One Hard-knock British City, a Secret Muslim Donor Helps save a Synagogue." *Haaretz*. 21 May 2013. Web. 17 Jan. 2015. <http://www.haaretz.com/jewish-world/jewish-world-features/in-one-hard-knock-british-city-a-secret-muslim-donor-helps-save-a-synagogue.premium-1.525183>

[xliii] Pidd, Helen. "Bradford Synagogue Saved by City's Muslims." *The Guardian*. 20 Dec. 2013. Web. 17 Jan.

2015. <http://www.theguardian.com/uk-news/2013/dec/20/bradford-synagogue-saved-muslims-jews>

[xliv] Ditmars, Hadani. "In One Hard-knock British City, a Secret Muslim Donor Helps save a Synagogue." *Haaretz*. 21 May 2013. Web. 17 Jan. 2015. <http://www.haaretz.com/jewish-world/jewish-world-features/in-one-hard-knock-british-city-a-secret-muslim-donor-helps-save-a-synagogue.premium-1.525183>

[xlv] Pidd, Helen. "Bradford Synagogue Saved by City's Muslims." *The Guardian*. 20 Dec. 2013. Web. 17 Jan.

2015. <http://www.theguardian.com/uk-news/2013/dec/20/bradford-synagogue-saved-muslims-jews>

[xlvi] Elgot, Jessica. "Bradford Muslims Rally to Save Synagogue From Closure." *The Huffington Post*. 19 Mar. 2013. Web. 17 Jan.

2015. [http://www.huffingtonpost.co.uk/2013/03/19/bradford-synagogue-muslims\\_n\\_2908254.html](http://www.huffingtonpost.co.uk/2013/03/19/bradford-synagogue-muslims_n_2908254.html)

## مطالب مرتبط

---

جنبش آتپور علیه میلسویج: سالی که زندگی در صربستان برنده شد

---

ایجاد اجماع و آینده‌ای دموکراتیک در تونس

---

مارتین لوتر کینگ: مبارزه برای حقوق برابر

---

مزالندو: طرح دیده‌بانی تحولات پارلمان کنیا

---

دمیدن روح امید: جنبش حقوق همجنس‌گرایان در آمریکا

---

انقلاب سرو: «گروه ۱۴ مارس» در لبنان

---

جنبش بدون شورش: بهار خاموش و خیزش محیط زیست گرای

---

منشور ۰۸: فراخوانی برای دموکراسی در چین

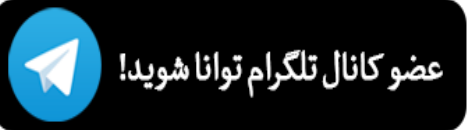
---

پیمان ضد مین: مبارزه بین‌المللی برای ممنوعیت مین‌های زمینی

---

دشمنان ملت: مبارزه برای حقوق کارگران صنایع پوشاک در بنگلادش

---



در آپ توانا ببینید!



A project of the  
**e-collaborative**  
*for civic education*

Copyright © 2016 E-Collaborative for Civic  
Education. All rights reserved.

---